

Comparative study of grounds for annulment of arbitral awards in French and Iranian law

Jafar Noury^{1*}, Sajjad Ghasemi²

- 1. Associate Professor, faculty of law and political science, University of Tehran, Tehran, Iran*
- 2. MSc. Student, faculty of law and political science, University of Tehran, Tehran, Iran*

(Received: March 11, 2022 ; Accepted: August 28, 2021)

Abstract

Despite the necessity of speed and irrevocability of arbitral awards, because of considerations of due process and public order in dispute resolution a certain limit of judicial review on arbitral awards has been recognized in national legal systems including annulment of arbitral awards on the basis of a disputing party litigation. Except for appeal from arbitral awards in French law for domestic awards which with the agreement of the parties leads to a de novo judicial review and in Iranian law is not allowed, hearing an annulment case in both legal systems is only on the basis of the grounds which have been referred to by the parties and court may annules an arbitral award accordingly. In this article, comparative study of grounds for annulment of arbitral awards in French and Iranian law reveals that in French law the grounds for annulment of arbitral awards are more limited especially in international awards and more coherent than Iranian law.

Keywords

rbitation, annulment of arbitral awards, arbitral awards, grounds for annulment

* Corresponding Author, Email: jafarnory@ut.ac.ir

مطالعه تطبیقی جهات ابطال آرای داوری در حقوق ایران و فرانسه

جعفر نوری یوشانلوئی^{۱*}، سجاد قاسمی^۲

۱. دانشیار، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه تهران، تهران، ایران
۲. دانشجوی کارشناسی ارشد، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه تهران، تهران، ایران

(تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۱۲/۲۰ - تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۶/۰۶)

چکیده

به‌رغم ضرورت سرعت در رسیدگی و قطعیت آرای داوری، به دلیل ملاحظات رسیدگی منصفانه و جنبه نظم عمومی حل اختلاف، حدی ضروری از نظارت قضایی بر آرای داوری در حقوق‌های ملی مورد شناسایی قرار گرفته است. از جمله این نظارت‌ها امکان ابطال آرای داوری در دادگاه‌ها بر مبنای طرح دعوای طرفین اختلاف است. جز در مورد استثنایی تجدید نظرخواهی از آرای داوری داخلی در حقوق فرانسه، که با توافق طرفین منجر به یک رسیدگی ماهوی و شکلی کامل به موضوع اختلاف می‌شود و البته در حقوق ایران پذیرفته نشده است، در هر دو نظام حقوقی رسیدگی دادگاه‌ها به دعوای ابطال آرای داوری صرفاً بر اساس جهات مشخص شده‌ای صورت می‌گیرد که در قانون مقر داوری مورد تصریح قرار گرفته و از سوی طرفین اختلاف در دعوای ابطال مورد استناد قرار گرفته است و با احراز وجود یکی از جهات رأی داوری ابطال می‌شود. در این پژوهش بررسی تطبیقی جهات ابطال آرای داوری در حقوق ایران و فرانسه آشکار می‌کند که در حقوق فرانسه جهات ابطال آرای داوری، به‌خصوص آرای بین‌المللی، محدودتر و انسجام جهات تعیین شده به طور کلی نسبت به حقوق ایران بیشتر است.

کلیدواژگان

ابطال آرای داوری، جهات ابطال، داوری، رأی داوری.

مقدمه

داوری با ایجاد امکان سرعت در رسیدگی و کاهش تشریفات وقت‌گیر دادگستری مهم‌ترین جایگزین برای دادگاه در حل اختلافات تجاری محسوب می‌شود. اگرچه نفع طرفین اختلاف و دادگستری‌های ملی به حداقل رساندن مداخلات دادگاه‌ها در فرایند داوری است، در نظام‌های حقوقی تعیین میزان مداخله دادگاه‌ها در مراحل مختلف داوری محل اختلاف است. در همه کشورهای در چارچوب‌های مشخصی نظارت قضایی بر فرایندهای داوری پیش‌بینی شده است. بخش اصلی این نظارت پس از صدور رأی داوری است که بحث ابطال رأی داوری یا ممانعت از اجرای آن توسط دادگاه‌ها مطرح می‌شود.

در این پژوهش بر مبنای مطالعه تطبیقی حقوق ایران و فرانسه نقش دادگاه‌های ملی در مقطع پس از صدور رأی داوری، که به شکل شکایت و درخواست از دادگاه‌ها برای نقض و ابطال آرای داوری مطرح می‌شود، مورد بررسی قرار می‌گیرد. پرسش‌های مهمی که باید پاسخ داده شود عبارت‌اند از: منظور از ابطال آرای داوری چیست و چه آرای مشمول این ابطال شده است و علل و اسباب ابطال آرای داوری در محاکم ملی ایران و فرانسه چیست و چه مشابهت و تفاوتی وجود دارد؟

باید توجه داشت که قوانین ایران به‌خصوص در حوزه حقوق خصوصی و از جمله آیین دادرسی و داوری از قوانین فرانسه اثرپذیری بالایی داشته است. مقررات حقوق فرانسه در خصوص داوری را می‌توان به سه دوره تقسیم کرد: دوره اول تصویب کد دادرسی مدنی در سال ۱۸۰۶، دوره دوم اصلاحات سال ۱۹۸۰، و نهایتاً اصلاحات انجام‌شده در سال ۲۰۱۱. حرکت اصلاحی مقررات داوری در فرانسه به سمت تأکید بیشتر بر ماهیت قراردادی داوری، کاهش مداخله دادگاه‌ها، و افزایش آزادی عمل در حوزه داوری‌های بین‌المللی بوده است.^۱ اولین مقررات داوری در حقوق ایران به قانون اصول محاکمات مصوب ۱۲۸۹ شمسی بازمی‌گردد که با تصویب قانون حکمیت ادامه یافت و نهایتاً در سال ۱۳۱۸ با تصویب قانون آیین دادرسی مدنی وارد دوره

۱. بنگرید به:

Gaillard, E. (2011). Commentaire analytique du décret du 13 janvier 2011 portant réforme du droit français de l'arbitrage, *Cahiers de l'arbitrage*, No. 2, p.263-310

تازه‌ای شد.^۱ به‌رغم اصلاح قانون مدنی در سال ۱۳۷۹، که تا حد زیادی تکمیل و اصلاح مقررات قبلی را در بر می‌گرفت، قواعد داوری در این قانون به تناسب تحولات حقوق فرانسه و حرکت آن به سمت ترویج داوری و گسترش آزادی طرفین در داوری حرکت نکرده است. تصویب قانون داوری تجاری بین‌المللی در سال ۱۳۷۶ بر اساس قانون نمونه داوری آنسیترال، که ایران را مشابه فرانسه در ردیف کشورهای قرار داد که نظام دوگانه قانون‌گذاری در خصوص داوری‌های داخلی و خارجی را پذیرفته‌اند، باعث روزآمد شدن قواعد داوری‌های بین‌المللی شد؛ اما همچنان ارتقای مقررات داوری داخلی و بین‌المللی امکان‌پذیر است.^۲ مقررات داوری در حقوق فرانسه در مواد ۱۴۴۲ تا ۱۵۲۷ قانون آیین دادرسی مدنی ذکر شده و آخرین اصلاح این مواد در سال ۲۰۱۱ طبق فرمان شماره ۴۸-۲۰۱۱^۳ صورت گرفته است. در حقوق ایران نیز مقررات قانون آیین دادرسی مدنی از مواد ۴۵۴ تا ۵۰۱ و قانون داوری تجاری بین‌المللی مباحث داوری را پوشش داده و شیوه و علل ابطال را مطرح کرده است که در این پژوهش بررسی خواهد شد.

مفهوم ابطال آرای داوری

اولین نتیجه صدور رأی داوری خاتمه داوری و فراغ داوران^۴ است. در تعریف فراغ داور، که مشابه فراغ دادرس است، گفته شده داور یا قاضی با اعلام تصمیم نهایی صلاحیت و اختیار خود را از دست می‌دهد و حق رسیدگی مجدد را ندارد (picotte 2018: 1446). اثر دیگر رأی داور اعتبار امر قضاوت‌شده^۵ است. منظور از اعتبار امر قضاوت‌شده این است که موضوع دعوای مطرح‌شده بین طرفین بار دیگر قابل رسیدگی نیست (picotte 2018: 391). برخلاف رسیدگی‌های

۱. بنگرید به:

افتخار جهرمی، گودرز (۱۳۷۸)، تحولات نهاد داوری در قوانین موضوعه ایران: دستاورد آن در حوزه داوری بین‌المللی، مجله تحقیقات حقوقی، دوره ۲، شماره ۲۸-۲۷

۲. بررسی لایحه جامع داوری در مجلس شورای اسلامی فرصت مهمی در زمینه ارتقای مقررات داوری به دست می‌دهد.

3. Décret n° 2011-48 du 13 janvier 2011 portant réforme de l'arbitrage

4. dessaisissement

۵. بعضی نویسندگان فرانسوی از عبارت «اعتبار امر قضاوت‌شده» (l'autorité de la chose jugée) و بعضی از عبارت «اعتبار امر داوری‌شده» (l'autorité de la chose arbitrée) استفاده کرده‌اند.

قضایی، در داوری، که سرعت در حل اختلاف از اهداف اصلی آن است، اصل بر قطعیت رأی داور در همان رسیدگی یک مرحله‌ای است و امکان تجدیدنظرخواهی یا رسیدگی ماهوی مجدد خلاف اصل است (رسولزاده فرساد ۱۳۹۹: ۱۸۸).

با این حال موارد ضروری و خاصی وجود دارد که دادگاه‌ها یا خود داوران ناچار به بررسی مجدد اختلاف یا بازبینی رأی داوری هستند. ابطال رأی داور می‌تواند در نتیجه اعمال نظارت قضایی دادگاه باشد یا در نتیجه اعاده دادرسی که موجب بازبینی رأی توسط خود داور و ابطال بخشی از آن می‌شود. اصلی‌ترین صورت نظارت بر رأی داور نظارت قضایی است که توسط دادگاه پس از صدور رأی اعمال می‌شود. در تعریف نظارت قضایی بر رأی داوری گفته شده به معنای کنترلی است که بر رأی داوری به عنوان بخشی از نظم حقوقی کشور مقرر اعمال می‌شود (جنیدی ۱۳۹۵: ۱۱۴) و می‌توان به آن نظارت قضایی بر رأی داور در مرحله پس از صدور رأی داوری گفت. نویسندگان فرانسوی نظارت قضایی بر رأی داور را به دو مرحله پس از صدور رأی و هنگام گرفتن اجرائیه^۱ تقسیم کرده‌اند (Gaillard 2011: 20). در این خصوص جالب توجه است که در فرانسه طرح دعوا در دادگاه‌ها برای اعتراض به رأی داوری در سال‌های اخیر دوبرابر شده و از هر چهار پرونده یک مورد موفق به ابطال رأی داوری مورد شکایت شده‌اند (Kuhner 2018: 36). نظارت قضایی شامل دعوای ابطال به معنای خاص و تجدیدنظرخواهی است (در کنار آن باید اعتراض ثالث را نیز در نظر داشت؛ هرچند مبنای آن بیشتر از آنکه رعایت شرایط شکلی و ماهوی در داوری باشد در نظر گرفتن حق ثالث است). تفاوت این دو شیوه این است که در دعوای ابطال دادگاه به عنوان مرجع درجه دوم به رسیدگی مجدد اختلاف نمی‌پردازد و صرفاً در چارچوب خواسته خواهان جهت خاص مطرح شده برای ابطال را بررسی می‌کند. البته در صورتی که خواهان در دادخواست خود به جهت خاصی اشاره نکرده باشد یا جهت اشتباهی را برگزیده باشد، بعضی نویسندگان امکان بازتوصیف خواسته خواهان توسط دادگاه به جای رد دعوا را پذیرفته‌اند (Wiliński 2019: 84). اما در تجدیدنظرخواهی رسیدگی مجدد به اختلاف صورت می‌پذیرد. رسیدگی در دعوای ابطال بر مبنای جهات شکلی و در تجدیدنظرخواهی شکلی و ماهوی است. تفاوت دیگر این است که در دعوای تجدیدنظرخواهی دادگاه پس از نقض رأی داور

خود در موضوع تصمیم می‌گیرد. اما در دعوای ابطال باید به اصل بازگشت، که همانا صلاحیت عام دادگستری و امکان توافق مجدد طرفین بر ارجاع امر به داوری است (جنیدی ۱۳۹۵: ۱۱۵). در چنین فرضی اگر توافق داوری همچنان معتبر و قابل استناد باشد، مثل موردی که داوری مطلق باشد، به معنای اینکه داوری شخص خاصی شرط نشده باشد، به‌رغم ابطال رأی داور توافق‌نامه داوری همچنان معتبر است و دادگاه با درخواست یک طرف از رسیدگی خودداری می‌کند (شمس ۱۳۹۶: ۵۶۶). در صورتی که امکان استناد مجدد به شرط داوری وجود نداشته باشد (مثل ابطال به علت عدم اعتبار توافق داوری یا اهلیت طرفین) و توافقی بر داوری هم نشود، طبق ماده ۴۹۱ ق.آ.د.م، طرفین باید مراحل طرح دعوا و دادخواست را طی کنند که به معنای لزوم اقامه یک دعوای تمام‌عیار است (شمس ۱۳۹۶: ۵۶۶)؛ مگر اینکه ارجاع اختلاف به داوری توسط دادگاه صورت گرفته باشد. تفاوتی که در حقوق فرانسه وجود دارد این است که طبق ماده ۱۴۹۳ ق.آ.د.م.ف. در فرض ابطال رأی اگر طرفین توافق مغایری نداشته باشند دادگاه تکلیف به رسیدگی به اختلاف طبق چارچوب توافق‌شده طرفین را دارد و نیاز به طرح دعوای تازه نیست. آنچه گفته شد مخصوص داورهای داخلی است. در حقوق فرانسه با ابطال رأی در داوری بین‌المللی دادگاه اقدام بیشتری انجام نخواهد داد. همین راه‌حل را می‌توان در چارچوب قانون داوری تجاری بین‌المللی نیز پذیرفت (شیروی ۱۳۹۲: ۳۱۰). بنابراین ابطال رأی داور به معنای عام هم شامل نقض تصمیم و رأی داور توسط دادگاه است، که بسته به اینکه بر مبنای پژوهش باشد یا دعوای ابطال به معنای خاص آثار و معیار متفاوتی خواهد داشت، که می‌توان آن را نظارت قضایی بر رأی داور پس از صدور در کشور مبدأ (مقر داوری) دانست، هم شامل اعاده دادرسی است که موجب بازبینی تصمیم پیشین توسط خود داور می‌شود. توجه به این نکته ضروری است که طبق ماده ۱۵۰۲ ق.آ.د.م.ف. در صورتی که امکان تشکیل دیوان داوری نباشد دادگاه تجدیدنظر به درخواست اعاده دادرسی از رأی داور در داورهای داخلی رسیدگی خواهد کرد. معمولاً اصطلاح ابطال ظهور در دعوای ابطال در معنای خاص خود دارد و سایر طرق اعتراضی یا اعاده دادرسی را در بر نمی‌گیرد. با این حال می‌توان اصطلاح عام ابطال را برای هر نوع نقض یا بازنگری در رأی داور، که نسبت به آن قاعده فراغ داور جاری شده است، نیز به کار برد.^۱

۱. قانون‌گذار فرانسوی نیز در قانون آیین دادرسی مدنی هم برای خروجی رأی دادگاه در فرض تجدیدنظرخواهی از رأی

با توجه به استثنایی بودن پذیرش شیوه تجدیدنظرخواهی، نظارت دادگاه‌ها عمدتاً از طریق دعوای ابطال به معنای خاص صورت می‌گیرد. این نظارت مبتنی بر جهات صلاحیتی و آیینی رأی داور است. زیرا، به عنوان یک قاعده^۱ تثبیت شده، دادگاه نسبت به ماهیت رأی داور نباید مداخله و نظارتی داشته باشد (Loquin 2015: 413). با این حال امکان رسیدگی ماهوی به اختلاف و ورود به جنبه ماهوی رأی داور توسط دادگاه در صورت‌های خاصی وجود دارد. رسیدگی ماهوی در حقوق فرانسه در آرای داوری داخلی و با توافق طرفین در قالب تجدیدنظرخواهی صورت می‌پذیرد. در حقوق ایران نیز نسبت به آرای داخلی طرح دعوای ابطال بر مبنای نقض قوانین موجد حق می‌تواند موجب ورود دادگاه به ماهیت رأی شود که از این نظر سه تفاوت با رسیدگی پژوهشی مقرر در حقوق فرانسه دارد: اولاً با ابطال رأی به علت مغایرت با قوانین موجد حق دادگاه رسماً اقدام به صدور رأی نمی‌کند؛ برخلاف فرض نقض در پژوهش‌خواهی حقوق فرانسه که دادگاه اقدام به صدور رأی (در چارچوب توافق طرفین در خصوص داوری از حیث شرایط و قیود) می‌کند. ثانیاً در دعوای ابطال صرفاً جهات مطرح شده از سوی خواهان، از جمله عدم رعایت قوانین موجد حق، مورد بررسی دادگاه قرار می‌گیرد؛ درحالی‌که در پژوهش‌خواهی رسیدگی کامل و جدیدی صورت خواهد گرفت. ثالثاً امکان طرح دعوای ابطال رأی به علت مغایرت با قوانین موجد حق حکم قانونی است؛ اما پژوهش‌خواهی در حقوق فرانسه در خصوص آرای داوری داخلی بنا بر توافق طرفین ممکن خواهد بود.

راه‌های اعتراض به آرای داوری

در حقوق فرانسه چهار طریق برای اعتراض به یک رأی داوری وجود دارد.

روش اول درخواست اعاده دادرسی از رأی داور^۲ است که در ماده ۱۵۰۲ ق.آ.د.م.ف. پیش‌بینی شده و بر اساس جهات ماده ۵۹۵ با رعایت شرایط مواد ۵۹۴ و ۵۹۶ و ۵۹۶ و ۶۰۱ تا ۶۰۳ قابل

داور کلمه ابطال را به کار برده است هم دعوای ابطال به معنای خاص را در عرض شیوه تجدیدنظرخواهی آورده است (مواد ۱۴۹۰ و ۱۴۹۱).

1. Le principe de non révision au fond des sentences arbitrales
2. Le recours en révision

درخواست است. عللی که طبق آن می‌توان درخواست اعاده دادرسی کرد در ماده ۵۹۵ ق.آ.د.م.ف. مطرح شده که در بخش‌های بعدی بررسی می‌شود.

روش دیگر تجدیدنظرخواهی^۱ است. تا قبل از اصلاح مقررات داوری در سال ۲۰۱۱ همه آرای داوری داخلی قابل تجدیدنظرخواهی بودند؛ مگر اینکه طرفین حق تجدیدنظرخواهی را ساقط می‌کردند. البته رویه در فرانسه این گونه بوده است که در توافق‌نامه‌های داوری این حق را ساقط می‌کردند (seppala 1982: 779). ماده ۱۴۸۹ ق.آ.د.م.ف. مقرر می‌دارد آرای داوری داخلی قابل تجدیدنظرخواهی نیستند؛ مگر اینکه مورد توافق طرفین قرار بگیرد. این رسیدگی مشابه تجدیدنظر از احکام دادگاه‌ها یک رسیدگی کامل شکلی و ماهوی به اختلاف خواهد بود (melin 2017: 85). درباره آرای بین‌المللی به طور کلی، چنان که در ماده ۱۵۱۸ ق.آ.د.م.ف. آمده است، امکان تجدیدنظرخواهی وجود ندارد.

روش دیگر طرح دعوی ابطال رأی داور^۲ (ابطال به معنای خاص) است. در این روش طرف ناراضی از رأی داور با طرح دعوا بر اساس یکی از اسباب مشخص شده در ماده ۱۴۹۲ ق.آ.د.م.ف. در داوری‌های داخلی و ماده ۱۵۲۰ ق.آ.د.م.ف. در داوری‌های بین‌المللی خواستار ابطال رأی داور می‌شود. رسیدگی دادگاه در دعوی ابطال برخلاف تجدیدنظر یک رسیدگی کامل ماهوی نیست؛ بلکه صرفاً مبتنی بر جهت خاصی در ارتباط با صلاحیت و موارد شکلی است که در دعوی ابطال مطرح شده است (seppala 1982: 779). پس از طرح دعوا، در صورتی که دادگاه دعوا را بپذیرد، رأی داور را جزئاً یا کلاً ابطال می‌کند و طبق ماده ۱۴۹۳ ق.آ.د.م.ف. (در خصوص داوری‌های داخلی) در چارچوب اختیارات داور خود اقدام به صدور رأی می‌کند؛ مگر اینکه طرفین مجدداً بر ارجاع به داور توافق کنند. روش دیگر اعتراض ثالث به رأی داوری^۳ است. طبق ماده ۱۵۰۱ ق.آ.د.م.ف. اعتراض ثالث صرفاً در آرای داوری داخلی ممکن است و باید در دادگاهی که برای رسیدگی به اصل دعوا صالح است طرح شود. دادگاه به اعتراض رسیدگی می‌کند و طبعاً می‌تواند به ابطال رأی داوری، ولو به طور جزئی، منجر شود.

1. appel
2. recours en annulation
3. tierce opposition

در حقوق ایران امکان اعتراض به آرای داوری داخلی و بین‌المللی از طریق دعوی ابطال رأی داور طبق ماده ۴۸۹ ق.آ.د.م. و مواد ۳۳ و ۳۴ ق.د.ت. وجود دارد و رسیدگی صرفاً بر اساس جهت مطرح شده خواهد بود، جز موارد ماده ۳۴ ق.د.ت. که مواردی را سبب بطلان رأی داور دانسته است که دادگاه‌ها خود تکلیف دارند در صورتی که این آرا برای صدور اجرائیه مطرح شدند مانع اجرای آن‌ها شوند و اساساً باطل محسوب می‌شوند. اعتراض ثالث مشابه حقوق فرانسه صرفاً در خصوص آرای داوری داخلی پذیرفته شده و برخلاف حقوق فرانسه، که اعاده دادرسی را برای همه آرای داوری تجویز کرده است، در حقوق ایران صرفاً آرای داوری بین‌المللی قابل اعاده دادرسی هستند. برخلاف حقوق فرانسه تجدیدنظرخواهی به طور کلی در آرای داوری اجازه داده نشده است.

طبق بندهای «ح» و «ط» ماده ۳۴ ق.د.ت. طرف معترض می‌تواند پیش از دعوی ابطال از داور تقاضای رسیدگی مجدد کند. موارد این دو بند، که در آینده درباره آن‌ها بحث خواهد شد، مشابه موارد اعاده دادرسی و عملاً به معنای پذیرش اعاده دادرسی نسبت به آرای داوری بین‌المللی در حقوق ایران است (شمس ۱۳۹۶: ۴۲۷). علاوه بر این، در خصوص اعتراض ثالث ماده ۴۷۵ ق.آ.د.م. دو راه را در اختیار ثالثی که نفعی در موضوع داوری دارد قرار می‌دهد. اول اینکه با طرفین توافق کند و ادعای او نیز توسط داور مورد رسیدگی قرار گیرد. طبیعی است لازمه چنین توافقی اطلاع ثالث از فرایند داوری است. راه دوم طرح دعوی اعتراض ثالث است که تابع مقررات ماده ۴۲۰ و ۴۲۱ ق.آ.د.م. است و رسیدگی به آن می‌تواند به ابطال رأی داوری منجر شود.

پرسشی که مطرح می‌شود این است که آیا مقررات مربوط به اعتراض به آرای داوری امری محسوب می‌شود یا امکان توافق برخلاف آن وجود دارد؟ باید توجه داشت که به طور کلی در ساختارهایی مثل حقوق فرانسه یا قانون داوری تجاری ایران، که بر اساس قانون نمونه تدوین شده است، رویکرد غالب آزادی دادن به طرفین و معتبر دانستن توافقات آن‌ها در خصوص فرایند داوری است (Wiliński 2019: 84). در چنین نظامی قواعد امری داوری محدود به مواردی می‌شود که با نظم عمومی یا قواعد تأمین‌کننده اصول اساسی و بنیادین عدالت در رسیدگی مرتبط است (جنیدی ۱۳۷۶: ۱۱۲۲). مثلاً می‌توان به ماده ۱۸ ق.د.ت. در خصوص رفتار مساوی با طرفین یا ماده ۱۵۱۰

ق.آ.د.م.ف. در خصوص رعایت اصول تقابلی رسیدگی اشاره کرد. با این حال در کشورهایایی مثل ایران و فرانسه، که سیستم دوگانه در خصوص داوری‌های داخلی و بین‌المللی پذیرفته شده است، طبیعی است که به دلیل اقتضائات خاص داوری‌های بین‌المللی آزادی بیشتری به طرفین داده شود و نظارت قضایی و قواعد آمره در داوری‌های داخلی در حد بالاتری باشد. نمونه آن در حقوق فرانسه در ویژگی‌های شکلی لازم برای توافق داوری داخلی و عدم اشتراط آن‌ها در داوری بین‌المللی قابل مشاهده است. جالب توجه است که قانون آیین دادرسی مدنی ایران، که بر داوری‌های داخلی حاکم است، شامل مقررات امری بسیار کمی است و حتی بعضی اصول اجباری دادرسی - برخلاف قانون داوری تجاری - در آن ذکر نشده است که می‌تواند محل انتقاد باشد (جنیدی ۱۳۹۵: ۳۵۴). به هر صورت، در خصوص امری بودن مواد مربوط به نظارت بر آرای داوری باید گفت در حقوق فرانسه عدم امکان توافق بر تجدیدنظرخواهی در داوری‌های بین‌المللی امری است. طبق ماده ۱۴۹۱ در داوری‌های داخلی مقررۀ مربوط به طرح دعوای ابطال امری است و امکان اسقاط آن وجود ندارد؛ مگر اینکه بر تجدیدنظرخواهی توافق شده باشد که در این صورت امکان طرح دعوای ابطال وجود ندارد. در مقابل ماده ۱۵۲۲ امکان اسقاط حق طرح دعوای ابطال را در داوری‌های بین‌المللی پیش‌بینی کرده است. در خصوص حقوق ایران باید گفت به طور کلی مقررات مربوط به نظارت دادگاه‌های مقرر بر رأی داوری و رسیدگی به اعتراض نسبت به رأی جزء مقررات امری است و امکان توافق برخلاف آن وجود ندارد (حدادی ۱۳۹۸: ۱۴۰). البته در خصوص داوری‌های بین‌المللی بعضی نویسندگان موضوع را اختلافی دانسته‌اند (شیروی ۱۳۹۲: ۳۰۷). در رویۀ قضایی نیز مواردی از پذیرش توافق در خصوص اسقاط نظارت دادگاه‌ها دیده می‌شود.^۱ با این حال باید توجه داشت در حقوق فرانسه، که امکان اسقاط حق اعتراض به رأی در داوری بین‌المللی پذیرفته شده، به معنای منتفی شدن هر نوع نظارتی نیست. زیرا طبق ماده ۱۵۲۲ امکان طرح دعوای اعتراض به اجرای رأی (در فرضی که محل اجرای رأی فرانسه باشد) بر اساس جهات ابطال ماده ۱۵۲۰ همچنان وجود دارد.

۱. مثلاً در دادنامه شماره ۹۵۰۹۹۷۰۹۰۸۳۰۰۰۴۱ به تاریخ ۱۳۹۵/۰۱/۳۱ شعبه ۲۳ دیوان عالی کشور رأی شعبه ۱۳ دادگاه تجدیدنظر مازندران را در خصوص اعتبار توافق بر عدم امکان اعتراض به رأی داور، طبق ماده ۱۰ قانون مدنی، تأیید کرده است.

بنابراین می‌توان گفت امکان اسقاط کامل هر نوع نظارتی از سوی دادگاه‌های مقرر وجود ندارد. اما ممکن است شیوه‌ها و حدود این نظارت در داوری‌های بین‌المللی تکمیلی در نظر گرفته شده باشد و امکان توافق در خصوص آن وجود داشته باشد. در فرضی که امکان توافق بر عدم نظارت دادگاه‌ها وجود داشته باشد همچنان در مرحله اجرای رأی ملاحظات نظم عمومی باید توسط دادگاه صادرکننده اجراییه مورد توجه قرار گیرد.

جهت ابطال آرای داوری

شکایت طرفین رأی داوری از طریق روش‌ها و راه‌هایی که در قسمت قبل گفته شد صورت می‌پذیرد. به غیر از شیوه تجدیدنظرخواهی، که در داوری‌های داخلی فرانسه با توافق طرفین در دسترس خواهد بود و موجب یک رسیدگی کامل از سوی دادگاه‌های تجدیدنظر فرانسه خواهد شد و نیز اعتراض ثالث که ناظر بر رسیدگی دادگاه در جهت احراز ذی‌حق بودن مدعی ثالث است، در بقیه اشکال اعتراض جهات مشخصی توسط قانون‌گذار مشخص شده است. در این بخش به بررسی این جهات پرداخته می‌شود.

جهت ابطال بر اساس اعاده دادرسی

این جهات عموماً مواردی را در بر می‌گیرد که یا تقلبی در فرایند داوری است یا بی‌اعتباری ادله مورد استناد آشکار شده یا ادله تازه‌ای به دست آمده است. همان‌طور که اشاره شد اعاده داوری نسبت به آرای داوری داخلی و خارجی در فرانسه پذیرفته شده؛ اما در حقوق ایران صرفاً در مورد آرای داوری بین‌المللی پذیرفته شده است و از آنجا که توجیهی برای این تفکیک در این مسئله وجود ندارد بهتر است قانون‌گذار امکان اعاده دادرسی در مورد آرای داوری داخلی را نیز فراهم آورد. گفتنی است در ماده ۹۰ طرح جامع داوری^۱، که در دست بررسی است، امکان اعاده دادرسی در مورد آرای داوری داخلی و بین‌المللی پیش‌بینی شده است.

ماده ۱۵۰۲ ق.آ.د.م.ف. برای تعیین مواردی که می‌توان طبق آن اعاده دادرسی کرد به ماده ۵۹۵

۱. طرح جامع داوری در جلسه علنی مورخ ۱۴۰۰/۰۷/۲۰ مجلس شورای اسلامی اعلام وصول شد. دریافت:

همان قانون ارجاع داده است. در این ماده چهار سبب برای درخواست اعاده دادرسی مطرح شده است که از این چهار سبب دو سبب آن در بندهای «ح» و «ط» ماده ۳۳ قانون داوری تجاری بین‌المللی ایران برای درخواست اعاده دادرسی پذیرفته شده است. بند «ح» در بیان یکی از جهات اعاده دادرسی مقرر می‌دارد رأی داوری مستند به سندی بوده باشد که جعلی بودن آن به موجب حکم نهایی ثابت شده باشد. بند ۲ ماده ۵۹۵ ق.ا.د.م.ف. نیز در مقام بیان یکی از جهات اعاده دادرسی بیان می‌دارد: حکم مبتنی بر سندی باشد که نادرستی آن توسط دادگاه اثبات یا مورد حکم توسط دادگاه قرار گرفته باشد. مورد دیگری که بین دو نظام حقوقی مشترک است بند «ط» ماده ۳۳ ق.د.ت. است که مقرر می‌دارد اگر پس از صدور رأی داوری مدارکی یافت شود که دلیل حقانیت معترض باشد و آن دلیل توسط طرف دیگر مکتوم داشته شده یا باعث کتمان آن‌ها شود می‌توان درخواست اعاده دادرسی رأی داوری را مطرح کرد. به همین ترتیب بند ۲ ماده ۵۹۵ ق.ا.د.م.ف. مقررۀ مشابهی را پیش‌بینی کرده است. با این حال دو مورد دیگر در حقوق فرانسه پیش‌بینی شده که در قانون داوری تجاری بین‌المللی موجود نیست. بند ۱ ماده ۵۹۵ ق.ا.د.م.ف. به دست آوردن رأی با تقلب محکوم‌علیه را سببی برای درخواست اعاده دادرسی دانسته است. قانون‌گذار ایرانی اگرچه برای احصای موارد اعاده دادرسی نسبت به احکام دادگاه‌ها تقلب و حيله را مطرح کرده، در خصوص آرای داوری به چنین موردی اشاره نکرده است. در اینکه آیا فقدان چنین سببی برای اعاده دادرسی یک نقص در قانون داوری تجاری بین‌المللی محسوب می‌شود یا خیر می‌توان دو رویکرد داشت. اگر با تکیه بر اصل قطعیت آرای داوری و ضرورت مداخله هر چه کمتر دادگاه‌ها به مسئله توجه شود نبود چنین سببی برای اعاده دادرسی، به‌خصوص با توجه به اینکه قانون داوری تجاری بین‌المللی ایران از قانون نمونه آنسیترال اقتباس شده و در آن قانون هم چنین سببی برای اعتراض به رأی داوری پیش‌بینی نشده است، نقص محسوب نمی‌شود. از طرفی اگر بر رسیدگی منصفانه تأکید شود وجود چنین سببی، چنان که قانون‌گذار فرانسوی پیش‌بینی کرده، می‌تواند به تأمین بیشتر حقوق طرفین که اختلاف خود را به داوری ارجاع داده‌اند کمک کند. مورد دیگری که در بند ۴ ماده ۵۹۵ ق.ا.د.م.ف. اشاره شده و در قانون داوری تجاری بین‌المللی وجود ندارد مبتنی بودن رأی داور بر تصدیق، شهادت، یا سوگندی است که با حکم دادگاه مشخص شده

نادرست بوده است. با توجه به اینکه قانون‌گذار در قانون داوری تجاری بین‌المللی امکان شکایت از رأی بر اساس سند مجعول را فراهم کرده، مناسب بود این امکان را درباره سوگند و شهادتی که کذب آن مشخص شده نیز فراهم کند. زیرا یا باید طبق قانون نمونه آنسیترال امکان اعاده دادرسی بر مبنای ادله را منتفی می‌دانست یا اگر برای سند مجعول پذیرفته شده برای شهادت و سوگند کذب نیز پذیرفته شود.

ابطال بر اساس مغایرت با نظم عمومی

تعریف نظم عمومی، به منزله یکی از جهات مهم نظارت بر آرای داوری و ابطال آن، باید در جای خود صورت گیرد. به طور خلاصه می‌توان گفت منظور از نظم عمومی قوانینی است که با اصول مهم اجتماعی یا اخلاقی مرتبط است و نمی‌توان از آن‌ها تخطی کرد. بند ۵ ماده ۱۴۹۲ ق.آ.د.م.ف. مغایرت با نظم عمومی را در خصوص آرای داوری داخلی و بند ۵ ماده ۱۵۲۰ مغایرت با نظم عمومی بین‌المللی را در خصوص آرای داوری بین‌المللی از جهات طرح دعوی ابطال دانسته است. منظور از نظم عمومی بین‌المللی کنار گذاشتن قوانین یا احکام کشورهای خارجی به علت مغایرت با قوانین مهم و امری کشور محل استناد است (Debard, 2018) که مفهومی مضیق‌تر از نظم عمومی داخلی دارد.

در حقوق ایران، در خصوص آرای داوری بین‌المللی بند ۲ ماده ۳۴ ق.د.ت. آرای را که مخالف با نظم عمومی یا اخلاق حسنه باشد به طور کلی باطل و غیر قابل اجرا دانسته است. در خصوص داوری‌های داخلی در قانون آیین دادرسی مدنی اشاره‌ای به مفهوم نظم عمومی نشده است. با این حال اهمیت نظم عمومی در نظام حقوقی چه در عرصه قرارداد که پایه بنیادین داوری است چه در بحث اجرای آرای داوری در حدی است که عدم ذکر آن در قانون آیین دادرسی مدنی به معنای شرط نبودن آن نیست (شهبازی‌نیا و بازگیر ۱۳۹۴: ۹۲). اهمیت نظم عمومی تا بدانجاست که بعضی نویسندگان از نظارت دادگاه صادرکننده حکم اجرایی رأی داور بر رعایت نظم عمومی نیز دفاع کرده‌اند (محسنی و همکاران ۱۴۰۰: ۱۵۳). گفته شده نظم عمومی از قواعد و مبانی کلی حقوق است و می‌توان با ارجاع مستقیم به این مفهوم بر رأی داوری اعمال نظارت

قضایی کرد (جنیدی ۱۳۹۵: ۳۳۷). بدین ترتیب مغایرت با نظم عمومی در چارچوب قانون آیین دادرسی مدنی نیز قابل نظارت است.

ابطال بر اساس تصمیم نادرست داور در موضوع صلاحیت

صلاحیت داوران مبتنی بر موافقت‌نامه داوری است. توافق بر داوری به منزله یک قرارداد باید شرایطی را دارا باشد تا اثر حقوقی داشته باشد. در صورتی که موافقت‌نامه داوری معتبر نباشد صلاحیتی برای داوران ایجاد نمی‌شود.

در حقوق فرانسه در بررسی شرایط اعتبار موافقت‌نامه داوری باید بین داوری‌های داخلی و بین‌المللی تفکیک قائل شد. در داوری‌های داخلی، که طبق ماده ۱۴۷۸ ق.آ.د.م.ف. تحت شمول قانون فرانسه هستند، نسبتاً شرایط سختگیرانه‌تری برای صحت و اعتبار وجود دارد. اولین دسته شرایط همان شرایط عمومی صحت قراردادها هستند. دسته دوم مقررات خاصی هستند که درباره موافقت‌نامه داوری باید رعایت شوند که شامل داوری‌پذیری موضوع اختلاف و شرایط شکلی موافقت‌نامه داوری می‌شود که در مواد ۲۰۵۹ تا ۲۰۶۱ ذکر شده‌اند. ماده ۲۰۶۰ قانون مدنی فرانسه اموری را که غیر قابل ارجاع به داور هستند ذکر کرده است و توافق ارجاع این موارد و مواردی که در قوانین خاص دیگر مشخص شده به داوری نامعتبر است. علاوه بر این، در قانون آیین دادرسی مدنی فرانسه نیز دو شرط در ارتباط با موافقت‌نامه داوری داخلی بیان شده است که عبارت‌اند از مکتوب بودن (ماده ۱۴۴۳) و مشخص بودن مورد نزاع در توافق‌های پس از وقوع اختلاف (ماده ۱۴۴۵). عدم رعایت این موارد به معنای عدم اعتبار موافقت‌نامه داوری و در نتیجه عدم صلاحیت داور برای رسیدگی است. ضمناً با توجه به پذیرش استقلال شرط داوری در ماده ۱۴۴۷ ق.آ.د.م.ف. بطلان عقد اصلی تأثیری در بطلان شرط داوری ندارد.

ارزیابی اعتبار موافقت‌نامه داوری در داوری‌های بین‌المللی در حقوق فرانسه با سختگیری بسیار کمی همراه است. طبق ماده ۱۵۰۷ ق.آ.د.م.ف. در موافقت‌نامه‌های داوری بین‌المللی رعایت هیچ شرطی به لحاظ شکلی لازم نیست. در خصوص شرایط اعتبار نیز به منزله یک رویه تثبیت‌شده در دادگاه‌های فرانسه هیچ قانون ماهوی‌ای مبنای بررسی صحت موافقت‌نامه داوری قرار نخواهد گرفت و صرفاً احراز قصد مشترک برای ارجاع اختلاف به داوری کافی است (Mistelis)

1136: 2015). البته دادگاه‌ها ملاحظات نظم عمومی بین‌المللی را باید در ارزیابی اعتبار موافقت‌نامه داوری در نظر بگیرند.^۱

ماده ۱۴۶۵ ق.آ.د.م.ف. رسیدگی به اعتراضات مربوط به صلاحیت داور را به طور اختصاصی بر عهده خود داور گذاشته است و اصل صلاحیت بر صلاحیت را پذیرفته است. در صورتی که طرف معترض به صلاحیت داور اختلاف را در دادگاه طرح کند طبق ماده ۱۴۴۸ ق.آ.د.م.ف. دادگاه باید بر مبنای ایراد طرف دیگر با رد صلاحیت از خود طرفین را به داوری ارجاع دهد؛ هرچند ادعای بطلان توافق داوری مطرح شده باشد. با این حال استثنای همین ماده مقرر می‌دارد در صورتی که توافق داوری به شکل واضحی باطل باشد و داوران هنوز فرایند داوری را شروع نکرده باشند دادگاه می‌تواند به رسیدگی ادامه دهد. پس اگر دادگاه وجود شرط داوری را احراز کند یا داوران فرایند را شروع کرده باشند باید با درخواست طرف دیگر اعلام عدم صلاحیت شود. در احراز وجود یک توافق داوری معتبر دادگاه باید بر مبنای ظاهر امر (*prima facie*) رسیدگی کند؛ به این معنا که با نگاه اولیه و ظاهری اگر توافقی برای داوری وجود دارد آن را مبنا قرار دهد (Gaillard 2011: 27). طبق رأی دادگاه تجدیدنظر پاریس دادگاه تنها مجاز به انجام دادن یک بررسی مختصر در موافقت‌نامه داوری برای ارزیابی اعتبار آن است.^۲ نظارت دادگاه در خصوص اعتبار توافق داوری در اینجا پایان نمی‌یابد. طبق بند ۱ ماده ۱۴۹۲ ق.آ.د.م.ف. در خصوص آرای داوری داخلی و طبق بند ۱ ماده ۱۵۲۰ همین قانون در خصوص آرای داوری بین‌المللی می‌توان بر مبنای عدم صلاحیت داور با توجه به شروط اعتبار موافقت‌نامه داوری دعوای ابطال رأی داور را طرح کرد.

در حقوق ایران در داوری‌های بین‌المللی برخلاف حقوق فرانسه، که قانون ماهوی خاصی را مبنای ارزیابی اعتبار توافق داوری قرار نمی‌دهد، سنجش اعتبار موافقت‌نامه داوری بر اساس قانونی خواهد بود که بر اختلاف یا شرط داوری حاکم است (شیروی ۱۳۹۲: ۲۹۴). بند ۱ ماده ۳۳ ق.د.ت. بررسی اعتبار موافقت‌نامه داوری را بر اساس قانون حاکم و در صورت سکوت آن قانون بر اساس قانون ایران (به عنوان قانون مقرر داوری) تعیین کرده است. از این جهت باید در هر مورد

1. Cour de cassation, civile, Chambre civile 1, 8 juillet 2009, 08-16.025

2. Cour d'appel de Paris, CT0051, du 15 juin 2006, 215

مفاد قانون حاکم را مورد توجه قرار داد. در صورتی که قانون ایران حاکم باشد قواعد عام صحت قراردادهای باید رعایت شود. بند ۱ ماده ۳۳ ق.د.ت. عدم اهلیت یکی از طرفین را جهتی برای ابطال رأی داوری دانسته است که به شروط صحت توافق داوری اشاره دارد. داوری ناپذیر بودن اختلاف برخلاف حقوق فرانسه، که ذیل بحث صلاحیت داوران مطرح شده، در ماده ۳۳ ق.د.ت. به منزله سببی متمایز برای ابطال رأی داوری مطرح شده است. موارد داوری ناپذیر بودن اختلاف در قوانین داخلی ایران و به طور خاص ماده ۴۹۶ ق.آ.د.م. ذکر شده است. باید توجه داشت که در بحث داوری پذیری در حقوق فرانسه برخلاف حقوق ایران انعطاف بسیار گسترده‌ای در خصوص داوری‌های بین‌المللی وجود دارد و مواردی را که در داوری‌های داخلی نمی‌توان به داوری ارجاع داد، مثل اختلافاتی که یک طرف آن نهادهای عمومی فرانسه هستند، در فرض تجارت بین‌الملل و داوری بین‌المللی قابل ارجاع به داوری هستند (Mistelis 2015: 1180). ماده ۱۶ ق.د.ت. اصل صلاحیت بر صلاحیت داوران را مشابه حقوق فرانسه پذیرفته است. ماده ۸ ق.د.ت. نیز به دادگاه‌ها تکلیف کرده است در صورتی که اختلافی که بر ارجاع آن به داوری توافق شده است در دادگاه مطرح شود با اعتراض یک طرف از رسیدگی به آن خودداری کنند؛ مگر اینکه شرط یا توافق داوری باطل یا غیر قابل اجرا باشد. این در حالی است که در حقوق فرانسه صرف تشکیل هیئت داوری دادگاه را از بررسی بطلان توافق داوری منع می‌کرد.

در داوری‌های داخلی رعایت قواعد عمومی صحت قراردادهای در کنار موارد مشخص‌شده داوری‌پذیری ضروری است. دکترین با تفسیر مضیق از ماده ۴۶۱ ق.آ.د.م. سعی کرده است این ماده را محدود به فرضی کند که یا برای انتخاب داور به دادگاه مراجعه شده یا مشابه حقوق فرانسه نسبت به اصل اختلاف طرح دعوا شده است؛ نه اینکه به طور کلی صلاحیت داور برای اظهارنظر راجع به اعتبار توافق داوری نفی شده باشد (شمس ۱۳۹۶: ۵۳۹) و بدین ترتیب اصل صلاحیت بر صلاحیت را تثبیت کنند. پس از این مرحله و پس از صدور رأی داوری، در صورتی که دو دسته شرایط یادشده در موافقت‌نامه داوری داخلی موجود نباشد طبق بند ۷ ماده ۴۸۹ ق.آ.د.م. می‌توان دعوی ابطال رأی داور را طرح کرد. مشابه همین حکم در بند «ب» ماده ۳۳ ق.د.ت. پیش‌بینی شده است. بدین ترتیب اگرچه در بحث صلاحیت بر صلاحیت بین حقوق ایران و فرانسه در خصوص

داوری‌های داخلی تفاوت وجود دارد، به لحاظ امکان ابطال به استناد عدم اعتبار توافق داوری راه‌حل‌های مشابه در دو کشور پذیرفته شده است. با این حال انعطافی که در حقوق فرانسه در خصوص بررسی وجود و اعتبار توافق‌نامه داوری درباره داوری‌های بین‌المللی وجود دارد در حقوق ایران دیده نمی‌شود.

ابطال به علت عدم رعایت اصل تقابلی بودن رسیدگی

اصل تقابلی بودن یا تناظر در رسیدگی یکی از اصول مهم دادرسی است که رعایت آن در همه رسیدگی‌ها برای تضمین حقوق طرفین و تضمین رسیدگی منصفانه ضروری است. در خصوص این اصل گفته شده به دنبال تضمین آگاهی و گفت‌وگو و ادله است؛ بدین معنا که طرفین از دعوا و ادله و ادعاها مطلع و فرصت پاسخ درباره آن را داشته باشند (محسنی ۱۳۹۹: ۲۲۴).

بندهای ۴ و دو ماده ۱۴۹۲ و ۱۵۲۰ ق.آ.د.م.ف. به ترتیب در خصوص آرای داوری داخلی و بین‌المللی نقض اصل تقابلی بودن را جهت برای ابطال رأی داور دانسته‌اند. علاوه بر این قانون‌گذار در خصوص داوری‌های بین‌المللی با توجه به اینکه ممکن است مقررات شکلی و آیین دادرسی آنها تابع مقررات فرانسه نباشد به طور خاص در ماده ۱۵۱۰ ق.آ.د.م.ف. تأکید کرده است که صرف‌نظر از نوع قواعد شکلی حاکم بر فرایند رسیدگی داوری اصل تقابلی بودن باید رعایت شود.

در حقوق ایران در خصوص داوری‌های بین‌المللی قانون‌گذار در ماده ۱۸ ق.د.ت. بر اعطای فرصت کافی به طرفین برای طرح ادعا یا دفاع یا ارائه ادله تأکید کرده است و این به معنای پذیرش اصل تقابلی بودن در رسیدگی است. دو مورد از موارد ابطال ارتباط مستقیم با این اصل دارد که عبارت‌اند از: عدم رعایت مقررات ابلاغ اخطاریه تعیین داور یا درخواست داوری (بند «ج» ماده ۳۳ ق.د.ت.) و عدم امکان و فرصت ارائه دلایل و مدارک به دلیلی خارج از اراده یک طرف (بند «د» ماده ۳۳ ق.د.ت.). در کنار این دو مورد ماده ۳۴ ق.د.ت. یکی از موارد بطلان رأی داوری را مخالفت آن با قوانین آمره این قانون دانسته است. به نظر می‌رسد اهمیت رسیدگی منصفانه و تقابلی که در ماده ۱۸ همین قانون مورد اشاره قرار گرفته است در حدی است که تخلف داور از آن، در صورتی که قابل توجه باشد، می‌تواند زمینه بطلان رأی را فراهم آورد (شیروی ۱۳۹۲: ۳۰۷). به‌رغم اینکه درباره داوری‌های بین‌المللی قانون‌گذار تا حد زیادی مشابه حقوق فرانسه ابطال

یا بطلان بر مبنای اصل تقابلی بودن را پذیرفته، در خصوص داوری‌های داخلی موضوع با ابهام بیشتری مواجه است. در قانون آیین دادرسی مدنی در موارد ابطال اشاره‌ای به اصول یا تشریفات دادرسی نشده است. ماده ۴۷۷ همین قانون داور را از شمول مقررات قانون آیین دادرسی خارج کرده، اما ملزم به مقررات داوری کرده است. در اینکه پایبندی به اصول دادرسی توسط داور تا چه حد ضروری است اختلاف نظر وجود دارد. اما به نظر می‌رسد ضرورت رسیدگی منصفانه و اعطای فرصت دفاع و طرح ادله به طرفین آن‌قدر بدیهی و مرتبط با مبنای حقوق و عدالت است که داور هم ملزم به رعایت آن است (آذربایجانی ۱۳۹۳: ۳۴۳). در رویه قضایی نیز ابطال آرای داوری داخلی به استناد عدم رعایت مقررات ابلاغ یا تشکیل جلسه و فرصت دفاع دیده شده است (خدری ۱۳۹۳: ۵۴۰). در جمع‌بندی می‌توان گفت رعایت اصل تقابلی بودن در رسیدگی‌های داوری هم در حقوق ایران هم در حقوق فرانسه ضروری است و تخلف داور از آن می‌تواند مبنای ابطال این آرا باشد.

ابطال به علت خروج داور از حدود اختیار

مبنای اختیار و صلاحیت داور برای حل و فصل اختلاف موافقت‌نامه داوری است که در آن هم موضوعاتی که داور می‌باید درباره آن‌ها رأی صادر کند هم قواعد شکلی و ماهوی حاکم بر اختلاف که داور باید بر مبنای آن‌ها رسیدگی کند تعیین می‌شود و عدم پایبندی داور به این موارد می‌تواند طبق بند ۳ مواد ۱۴۹۲ و ۱۵۲۰ ق.آ.د.م.ف. موجب ابطال رأی داوری شود. در حقوق فرانسه طبق ماده ۱۴۴۶ ق.آ.د.م.ف. در خصوص داوری‌های داخلی و ماده ۱۵۰۹ ق.آ.د.م.ف. در خصوص داوری‌های بین‌المللی طرفین اختلاف می‌توانند قواعد شکلی رسیدگی داور را تعیین کنند. در خصوص قواعد ماهوی حاکم بر اختلاف در داوری‌های داخلی حقوق فرانسه حاکم است. اما طبق ماده ۱۴۷۸ ق.آ.د.م.ف. طرفین می‌توانند بر اعمال روش‌های کدخدامنشانه^۱ نیز توافق کنند. در داوری‌های بین‌المللی طرفین طبق ماده ۱۵۱۱ ق.آ.د.م.ف. اختیارات بیشتری در انتخاب قانون حاکم دارند. رسیدگی به دعوای ابطال رأی داور در ارتباط با قانون ماهوی منتخب طرفین از آنجا که می‌تواند مستلزم ورود دادگاه به ماهیت و محتوای رأی داوری باشد با چالش‌هایی همراه است. از

یک سو اعمال قانون منتخب طرفین بخشی از مأموریت محوله داور را تشکیل می‌دهد (Wiliński 2019: 120) و از سوی دیگر عدم نظارت ماهوی بر رأی داور نیز از اصول تثبیت‌شده حقوق داوری است؛ به‌خصوص در حقوق فرانسه که از کشورهای دارای رویکرد دوستانه به داوری^۱ محسوب می‌شود. این دعوا می‌تواند دو صورت داشته باشد. صورت اول این است که داور با نادیده گرفتن قانون ماهوی منتخب طرفین قانون یا قواعد حقوقی دیگری را اعمال می‌کند. صورت دوم این است که اگرچه داور قانون یا قواعد حقوقی منتخب طرفین را مبنای رسیدگی قرار می‌دهد، در اعمال و تفسیر آن دچار اشتباه می‌شود. مشخص است نظارت بر صورت دوم مستلزم ورود جدی‌تر دادگاه به ماهیت و محتوای رأی داوری است. راه‌حل دیوان عالی فرانسه^۲ برای این مسئله بدین صورت است که اگر داور در رأی خود به قانون منتخب طرفین ارجاع داده باشد این به معنای اعمال قانون منتخب طرفین است و دادگاه‌ها مجاز به بررسی بیشتر رأی داوری نیستند. رأی دیوان عالی هم نوع نظارت و میزان مداخله دادگاه‌ها در ماهیت رأی داور را مشخص کرده هم تکلیف دو صورت مطرح‌شده را معین کرده است. در خصوص صورت اول این مسئله در حقوق داوری فرانسه پذیرفته شده که رسیدگی به اختلاف در چارچوب قانون ماهوی منتخب طرفین بخشی از مأموریت داور را تشکیل می‌دهد و نادیده گرفتن قانون منتخب طرفین به منزله مصداقی از عدم مطابقت رأی داور با مأموریت محوله در رویه قضایی مورد پذیرش قرار گرفته است (Loquin 2015: 436) و معیار ارزیابی این موضوع صرف ارجاع و استناد داور به قانون منتخب طرفین است. طبیعی است این فرض در جایی است که شرط انتخاب قانون حاکم ماهوی توسط طرفین صریح باشد. در صورت ابهام و اختلاف، تفسیر شرط انتخاب قانون ماهوی با داور است و چنین تفسیری موضوع نظارت دادگاه قرار نمی‌گیرد. زیرا موجب ورود دادگاه به ماهیت رأی داوری می‌شود (Jacquet 2011: 205). به عبارتی نوع اعمال و تفسیر قانون منتخب طرفین از سوی دادگاه‌ها مورد نظارت قرار نمی‌گیرد. زیرا نیازمند یک بررسی کامل ماهوی خواهد بود. حال آنکه حد نظارت مجاز دادگاه‌ها محدود به صرف استناد و ارجاع داور به قانون حکم شده است (Mistelis 2015: 1182).

1. les pays favorables à l'arbitrage

2. Cour de Cassation, Chambre civile 1, du 22 octobre 1991, 89-21.528

موضوع دیگری که باید مورد توجه قرار گیرد نحوه نظارت و ابطال رأی داور در فرضی است که رأی بر مبنای کدخدانمنشی صادر شده است. اولین پرسش این است که نظارت دادگاه برای احراز اینکه داور بر اساس کدخدانمنشی رسیدگی را انجام داده است به چه شکلی است؟ برخلاف شیوه احراز اعمال قانون حاکم، که بر اساس ارجاع داور به قواعد حاکم در رأی شناسایی می‌شد عدم ارجاع مستقیم به قواعد انصاف یا کدخدانمنشی به معنای عدم رسیدگی طبق کدخدانمنشی نیست بلکه ارجاع و بحث دقیق از قواعد حقوقی در رأی در کنار عدم ارجاع به انصاف و کدخدانمنشی به معنای عدم اعمال اصول کدخدانمنشی است (Mistelis, 2015:1158). توافق بر کدخدانمنشی در عمل نظارت دادگاه را کاهش می‌دهد. قبل از سال ۲۰۱۱ که اصل بر امکان تجدیدنظرخواهی از آراء داوری داخلی بود، توافق بر کدخدانمنشی به معنای اسقاط حق تجدیدنظر در نظر گرفته می‌شد (Seppala, 1982: 779). با این حال هم چنان امکان اعتراض به رأی داور در دو صورت ممکن است. صورت اول این است که طرفین قیود و شرایطی را برای حل و فصل کدخدانمنشانه تعیین کرده اند مثل موردی که کدخدانمنشی به یک حقوق ملی به عنوان قاعده حاکم منضم شده تا از نتیجه غیر منصفانه جلوگیری شود یا رسیدگی بر اساس عدل و انصاف در چارچوب یک نظام حقوقی خاص به عنوان تکلیف داور تعیین شده است. در این موارد بی توجهی داور به قیود توافق شده به معنای خروج او از اختیار است. صورت دوم نقض نظم عمومی بین‌المللی در رسیدگی بر مبنای کدخدانمنشی است که به عنوان یک قاعده عام می‌تواند رأی داور را چه در حقوق ایران و چه فرانسه در معرض ابطال قرار دهد (Herboczková, J 2008:5).

در حقوق ایران در خصوص داوری‌های بین‌المللی بنده ماده ۳۳ ق.د.ت یکی از موارد ابطال رأی داوری را خروج داور از اختیارات دانسته است. علاوه بر موضوعات قابل ارجاع به داوری که باید توسط طرفین تعیین شود، طبق مواد ۱۹ و ۲۷ همین قانون طرفین می‌توانند با قیودی قواعد شکلی و قانون حاکم ماهوی بر اختلاف را تعیین کنند. رسیدگی داور باید در چارچوب این قواعد توافق شده باشد وگرنه قابل ابطال است. در خصوص دو نوع دعوای ابطال رأی داور از جهت عدم اعمال یا اعمال اشتباه قانون ماهوی حاکم باید توجه داشت که در چارچوب قانون نمونه آنسیترال عدم اعمال قانون حاکم قابل نظارت اما نوع اعمال آن قابل نظارت نیست و از آنجا که

قانون داورى تجارى ايران منبعث از قانون نمونه است مى‌توان همين راه حل را پذيرفت.^۱ در مقابل مغايرت رأى با قوانين موجد حق زمينه مداخله دادگاه در ماهيت رأى داور را از جهت بررسى اعمال صحيح قوانين ماهوى در داوري‌هاى داخلي فراهم مى‌کند. در خصوص داوري‌هاى داخلي بندهاى دو و سه و چهار ماده ۴۸۹ ق.آ.د.م به بحث اختيار داور مرتبط است. طبق بند دو اگر داور نسبت به مطلبى رأى صادر کند که موضوع داوري نبوده است رأى باطل است. بند سه صراحتاً خروج داور از حدود اختيار را سبب بطلان دانسته است. بند چهار نيز صدور رأى پس از انقضای مدت داوري را سبب ديگر بطلان دانسته است. پس از انقضای مدت داوري، داور صلاحيت و اختيار خود را از دست مى‌دهد. در حقوق فرانسه نيز صدور رأى در خارج از چارچوب زمانى توافق شده يا مقرر شده توسط قانون بر اساس خروج داور از اختيار قابل اعتراض است (Mistelis, 2015:1182).

ابطال به علت عدم رعايت ضرورت‌هاى شکلى و ماهوى رأى داوري

انشاى رأى داوري مانند احکام دادگاه‌ها بايد با توجه به مقررات خاصى صورت بگيرد. اين مقررات تا حد زيادى مى‌تواند تابع اراده طرفين باشد که معمولاً با انتخاب مقررات شکلى حاکم بر داوري تعيين مى‌شود.

در حقوق فرانسه در خصوص قالب و محتوای آراء داوري داخلي مقرراتى تعيين شده است. ماده و ۱۴۸۰ ق.آ.د.م.ف صدور رأى طبق نظر اکثريت و امضاء و ماده ۱۴۸۱ ق.آ.د.م.ف نيز نام و اقامت گاه طرفين، نام وکلا و نمايندگان، نام داوران، تاريخ صدور رأى و محل صدور رأى را لازم دانسته است. ماده ۱۴۸۲ نيز ذکر ادله و استدلال‌هاى طرفين و نيز مبانى رأى را ضرورى دانسته است. ماده ۱۴۸۳ ضمانت اجراى بطلان را صرفاً برای عدم رعايت صدور رأى بر مبناى نظر اکثريت و ذکر نام داوران و تاريخ رأى و مبانى رأى و امضا مقرر کرده است. با ذکر اين استثنا که اگر اين موارد در رأى ذکر نشده باشند اما بتوان اين نواقص را در چارچوب مقررات رفع کرد رأى باطل محسوب نمى‌شود. در خصوص آراء داوري بين‌المللى صرفاً رعايت موارد پنجگانه ۱۴۸۱ و

۱. بنگريد به:

UNCITRAL 2012 Digest of Case Law on the Model Law on international commercial arbitration, UN commission on international trade law, p153, p157

ذکر ادله و استدلال‌ها و مبانی رأی ضروری است. با این حال قانونگذار در ماده ۱۵۰۶ به طرفین داوری بین‌المللی اجازه داده است تا داور را از ذکر مبانی و دلایل معاف کنند. این بر خلاف داوری‌های داخلی است که در آن ذکر دلایل رأی قاعده‌ای امری و مربوط به نظم عمومی داخلی محسوب می‌شود (Carbonneau, 1981:38). ماده ۱۵۲۰ که جهات ابطال آراء داوری بین‌المللی را بیان می‌کند اشاره‌ای به عدم ذکر دلایل رأی نکرده است. بعضی نویسندگان تلاش کرده اند که عدم ذکر دلایل و مبانی رأی را مغایر با نظم عمومی بین‌المللی بدانند (Carbonneau, 1981:14). رویه قضایی فرانسه چنین رویکردی را نپذیرفته است. راه حل پذیرفته شده این بوده است که در صورتی که قانون شکلی حاکم، قانون فرانسه باشد و توافقی بر خلاف لزوم ذکر دلایل نشود، داور از جهت ماموریت محوله و اختیاری که طبق توافق داوری یافته است باید مبانی و دلایل را ذکر کند و عدم انجام این تکلیف از باب خروج از ماموریت محوله (بند سه ماده ۱۵۲۰ ق.آ.د.م.ف) منجر به ابطال رأی می‌شود (Kuhner, 2018:40). موضوع دیگر این است که توافق بر عدم ذکر دلایل چه تاثیری بر نظارت دادگاه بر اساس سایر جهات ابطال دارد؟ در پاسخ باید گفت قاعدتاً این توافق نباید مانع نظارت دادگاه به خصوص نسبت به شرایط شکلی رسیدگی شود اما اگر احراز یکی از جهات ابطال به علت عدم ذکر دلایل رأی ممکن نباشد دادگاه می‌تواند توافق بر عدم ذکر دلایل را به معنای توافق ضمنی بر اسقاط حق اعتراض بر مبنای آن جهت ابطال در نظر بگیرد چرا که به لحاظ عملی رسیدگی ممکن نبوده و این اثر ضمنی توافق طرفین می‌باشد. در رویه قضایی فرانسه امکان توافق پیشینی در خصوص کاهش جهات ابطال وجود ندارد (هرچند می‌توان در داوری بین‌المللی حق طرح دعوای ابطال را به طور کلی اسقاط کرد) اما ممکن است در طول رسیدگی رفتار یا وضعیتی را به معنای اسقاط جهت خاصی از جهات ابطال در نظر بگیرند (Mistelis 2015:1176).

پرسش دیگر این است که در صورتی که طرفین بر حل و فصل اختلاف به شیوه کدخدانمشانه توافق کرده باشند آیا همچنان ذکر دلایل لازم است؟ نویسندگان حقوق فرانسه چنین توافقی را باعث معافیت داور از ذکر دلایل ندانسته اند (Seppala, 1982: 775) در قانون داوری تجاری بین‌المللی ایران دو مورد از الزام به ذکر دلایل در رأی داوری استثنا شده است که عبارت

اند از توافق طرفین یا صدور رأی بر مبنای سازش طرفین. عدم استثنای صدور رأی بر مبنای کدخدامنشی می‌تواند به معنای هم جهت بودن حقوق ایران و فرانسه در این خصوص باشد. با این حال بعضی نویسندگان توافق به رسیدگی بر اساس کدخدامنشی را نوعی توافق ضمنی بر عدم لزوم ارائه دلایل دانسته اند (شیروی، ۱۳۹۲: ۲۶۵). به نظر می‌رسد از آنجا که توافق بر شیوه کدخدامنشی به معنای اختیار مطلق داور نمی‌باشد ملزم کردن داور به ذکر دلایل باعث می‌شود توجیحات داور در خصوص منصفانه بودن نتیجه حاصله آشکار شود. به خصوص اگر طرفین قیودی بر اختیار داور تعیین کرده باشند یا اختیاری در کنار قانون ماهوی حاکم به او داده باشند تا از نتایج غیر منصفانه بعضی مقررات حاکم جلوگیری کند که در این فرض ذکر دلایل رأی مفید به نظر می‌رسد. به نظر می‌رسد با توجه به ماهیت رأی سازشی ذکر دلایل آنچنان که در قانون داوری تجاری هم مقرر شده است لازم نیست.

در حقوق ایران ماده ۳۰ ق.د.ت به بحث شکل و محتوای رأی داوری پرداخته است. طبق این ماده کتبی بودن، امضا، تاریخ صدور رأی، محل داوری و ذکر دلایل در رأی لازم است. با این حال ضمانت اجرای تخلف داور از این موارد بر خلاف حقوق فرانسه مشخص نشده است. بند دو ماده ۳۴ ق.د.ت یکی از موارد بطلان رأی داور را مغایرت مفاد آن با مقررات آمره قانون داوری تجاری بین‌المللی ذکر کرده است. در صورتی که موارد مذکور در ماده ۳۰ را امری بدانیم تخلف از آن‌ها موجب بطلان رأی است. از موارد ماده ۳۰ بند دو که طبق آن دلایل رأی باید در آن ذکر شود به تصریح خود ماده امری نیست و طرفین می‌توانند خلاف آن توافق کنند. بدین ترتیب در داوری‌های بین‌المللی راه حل حقوق ایران مشابه حقوق فرانسه بوده و مقررره مربوط به ذکر دلایل رأی، امری محسوب نمی‌شود. باید توجه داشت که طبق ماده ۱۹ ق.د.ت طرفین می‌توانند قواعد شکلی حاکم را تا جایی که مغایر قواعد امری این قانون نباشد تعیین کنند. در این صورت تکلیف داور به ذکر دلایل با توجه به غیر امری بودن مقررره ذکر دلایل تابع قواعد شکلی منتخب طرفین است. اما اگر طرفین قواعد شکلی حاکم را تعیین نکرده باشند طبق نص ماده ۱۹ داور باید مقررات قانون داوری تجاری را اعم از امری و تکمیلی رعایت کند و از جمله این قواعد تکمیلی ذکر دلایل است. در غیر این صورت رأی داور در معرض ابطال قرار می‌گیرد. در خصوص کتبی بودن

نیز باید توجه کرد که طبق ماده ۶ قانون تجارت الکترونیک ایران هر گاه که وجود نوشته از نظر قانون لازم باشد، داده پیام در حکم نوشته است در نتیجه به نظر بعضی نویسندگان صدور رأی در قالب الکترونیکی مانعی ندارد (شیروی، ۱۳۹۲: ۲۶۱). در خصوص ضرورت امضای اکثریت نیز با توجه به ماده ۲۹ که به طرفین اختیار داده است ترتیبی غیر از ملاک بودن نظر اکثریت انتخاب کنند امری به نظر نمی‌رسد. در خصوص تاریخ و محل صدور رأی به نظر می‌رسد رعایت آن با توجه به آثار مهمی که دارد رعایت آن ضروری است. با توجه به پیش بینی امکان اصلاح و تکمیل رأی داوری به نظر می‌رسد بطلان رأی داور به دلیل نکات شکلی رأی در موارد استثنایی رخ دهد. به عنوان نتیجه می‌توان گفت سخت‌گیری زیادی در قانون داوری تجاری بین‌المللی نسبت به شرایط شکلی رأی وجود ندارد. در خصوص داوری‌های داخلی از مواد پراکنده قانون آیین دادرسی مدنی می‌توان نکاتی ضروری را استخراج کرد. ماده ۴۸۲ ق.آ.د.م بر موجه و مدلل بودن رأی تاکید کرده است. در خصوص اینکه آیا چنین قاعده‌ای امری محسوب می‌شود استدلال شده است که مدلل بودن آراء داوری یک اصل بنیادین دادرسی است و رویه قضایی در ایران نیز بر لزوم مدلل بودن رأی داور صرف نظر از توافقات طرفین تاکید دارد (امینی و منصور، ۱۳۹۶: ۱۴). با توجه به سختگیرانه تر بودن رویکرد قضایی نسبت به آراء داوری داخلی می‌توان گفت در خصوص آراء داوری داخلی نیز مشابه حقوق فرانسه امکان توافق بر خلاف مقرر مدلل بودن رأی داور وجود ندارد. البته بعضی نویسندگان از کاهش سختگیری محاکم در خصوص چنین توافقی به عنوان یک گرایش تازه سخن گفته‌اند (حدادی، ۱۳۸: ۱۳۹۸). این مقرر به مطابقت رأی داوری با قوانین موجد حق اشاره دارد و ضروری است که در رأی داوری رعایت شود و گرنه به استناد بند یک ماده ۴۹۸ ق.آ.د.م رأی داوری باطل است. ماده ۴۸۴ ق.آ.د.م نیز بر ضرورت امضای رأی داور اشاره دارد. به طور کلی مقررات حقوق ایران در خصوص شرایط شکلی از انسجام کمتری نسبت به حقوق فرانسه برخوردار است و از جهت ضمانت اجرا موضع مشخصی ندارد که البته می‌توان آن را حمل بر عدم سخت‌گیری و تسامح قانون‌گذار نسبت به این موضوع با هدف استحکام بیشتر آراء کرد. آنچنان که گفته شد نظارت بر جنبه‌های ماهوی رأی داور پذیرفته نشده است و نظارت دادگاه‌ها صرفاً از منظر صلاحیت و صدور رأی نسبت به خواسته و رعایت اصول رسیدگی منصفانه صورت

می‌پذیرد و محتوای استدلال‌های حقوقی داور و نتیجه‌گیری او قابل نظارت نیست (در بحث خروج از اختیار نیز گفته شد که نحوه اعمال قواعد حاکم بر ماهیت از سوی داور قابل نظارت نیست). نویسندگان حقوق فرانسه نظارت دادگاه بر محتوای دلایل و مبانی ذکر شده توسط داور در رأی را غیر قابل پذیرش دانسته‌اند (Loquin É., 2015:413). دیوان عالی فرانسه نیز بر این موضع تاکید کرده است که حتی در صورتی که دلایل و مبانی ذکر شده از سوی داور اشتباه یا متناقض باشد نیز دادگاه حق ابطال رأی را ندارد (Mistelis 2015:1178). چنین رویکردی در قانون داوری تجاری و قانون نمونه آنستیرال نیز مورد تاکید قرار گرفته است (Wiliński, 2019:17). بر خلاف رویکرد حقوق فرانسه و قانون نمونه و به تبع آن قانون داوری تجاری بین‌المللی قانون آ.د.م ایران ورود دادگاه به ماهیت موضوع را پذیرفته است (خدابخشی، ۱۳۹۹:۳۹۲). با توجه به امکان ابطال رأی بر اساس مغایرت با قوانین موجد حق طبیعی است که دادگاه‌ها می‌توانند تا حد زیادی به ماهیت رأی نیز ورود کنند و در رویه عملی نیز قابل مشاهده است که استدلال‌ها و نتیجه‌گیری‌های حقوقی داور را مورد ارزیابی ماهوی قرار می‌دهند. البته امکان تصحیح اشتباهات داور در محتوای رأی مثل اشتباه در محاسبه یا فروگذار کردن بخشی از خواسته در ماده ۱۴۸۵ ق.آ.د.م.ف پیش‌بینی شده است. مشابه این مقرر در ماده ۳۲ ق.د.ت نیز ذکر شده است.

ابطال به علت تشکیل یا تکمیل هیئت داوری مغایر با موافقت نامه داوری

یکی از بخش‌های مهم داوری تعداد داوران و تشریفات مربوط به نحوه انتخاب و جرح و عزل آنان است. طبق ماده ۱۴۴۴ ق.آ.د.م.ف این امکان وجود دارد که طرفین در موافقت نامه داوری

۱. توجه دادن به این مطلب مفید به نظر می‌رسد که در بعضی حقوق‌های ملی به خصوص در کشورهای کامن‌لا امکان نظارت بر ماهیت رأی داور به طور جدی تری پذیرفته شده است. به عنوان مثال بعضی محاکم آمریکا بر اساس نظریه نادیده گرفتن آشکار قانون (manifest disregard of law) آراء داوری را در فرضی که استدلال و برداشت حقوقی داور یا تفسیر داور از قاعده ماهوی حاکم به شکل بسیار واضحی نادرست باشد ابطال کرده‌اند. در حقوق آلمان و هلند نیز در صورتی که دلایل ذکر شده از سوی داور متناقض یا به شکل بسیار واضحی نادرست باشند در حکم عدم ذکر دلایل در نظر گرفته شده و با توجه به الزام مدلل بودن آراء داوری اقدام به ابطال رأی داوری در این فروض کرده‌اند. پذیرش چنین راه‌حلی نیازمند جمع بین دو مصلحت حداقلی بودن مداخله دادگاه و لزوم صحت و اتقان حقوقی رأی داور می‌باشد که محل تأمل و بحث بیشتر می‌تواند باشد.

خود شرایط مربوط به داوران را تعیین کنند یا به قواعد یکی از نهادهای داوری ارجاع دهند. در صورتی که چنین توافقی وجود نداشته باشد مقررات قانون مقر داوری که در این مورد قانون آیین دادرسی مدنی فرانسه است حاکم خواهد بود. در صورتی که طرفین در خصوص انتخاب داور و تشریفات آن توافق کرده باشند رعایت آن‌ها لازم است و تخلف از این مفاد این توافق طبق بند ۲ ماده ۱۴۹۲ ق.آ.د.م.ف در خصوص داوری‌های داخلی و بند ۲ ماده ۱۵۲۰ ق.آ.د.م.ف در خصوص داوری‌های بین‌المللی می‌تواند زمینه ابطال رأی را فراهم آورد. لزوم رعایت چارچوبی که طرفین در خصوص تشکیل هیئت داوری بر آن توافق کرده اند در رویه قضایی فرانسه نیز تثبیت شده است.^۱ در صورتی که طرفین در خصوص تشکیل هیئت داوری توافقی نکرده باشند اگر داوری داخلی باشد مقررات مواد ۱۴۵۱ تا ۱۴۵۴ ق.آ.د.م.ف در خصوص تشکیل هیئت داوری باید رعایت شود و اگر داوری بین‌المللی باشد همین مواد به استثنای ماده ۱۴۵۱ که در خصوص فرد بودن تعداد داوران است و مفاد آن طبق ماده ۱۵۰۶ به داوری‌های بین‌المللی تسری پیدا نکرده است لازم‌الرعایه است و عدم رعایت این مواد می‌تواند بر اساس بند دو ماده ۱۴۹۲ و ۱۵۲۰ ق.آ.د.م.ف موجب ابطال رأی داوری شود. یکی دیگر از موارد ابطال رأی داور بر مبنای عدم تشکیل درست هیئت داوری بحث مربوط به جرح داور است. طبق ماده ۱۴۵۶ ق.آ.د.م.ف در همه داوری‌ها، داور پیش از قبول داوری و پس از آن باید هر اوضاع و احوالی که بر بی طرفی یا استقلالش تاثیر گذار است را به اطلاع طرفین برساند. تخلف داور از این تکلیف می‌تواند مبنای ابطال رأی داور باشد. البته در رویه قضایی تخلف داور از بیان این اوضاع و احوال در صورتی می‌تواند موجب ابطال رأی داور شود که اگر داور آن اوضاع و احوال را بیان می‌کرد در ذهن طرفین یا یکی از آن‌ها تردیدی معقول در خصوص بی طرفی او ایجاد می‌شد.^۲ به هر حال چه داور این اوضاع و احوال موثر بر بی طرفی اش را آشکار کند یا یکی از طرفین مدعی عدم بی طرفی او باشد طرفین یا طبق ماده ۱۴۵۸ ق.آ.د.م.ف با توافق آن داور را کنار می‌گذارند یا بر اساس ذیل ماده ۱۴۵۶ به نهاد داوری مسئول یا دادگاه مراجعه می‌کنند. در صورتی که داور اهلیت خود را

۱. برای نمونه بنگرید به رأی دیوان عالی فرانسه: Cour de cassation, Chambre civile 1, du 4 décembre 1990,

88-13.336

2. Cour de cassation, civile, Chambre civile 1, 10 octobre 2012, 11-20.299

از دست بدهد یا به هر دلیل موجه دیگری از داوری کناره گیری کند طرفین طبق ماده ۱۴۵۷ ق.آ.د.م.ف باید در خصوص عزل او و انتخاب داور توافق کرده یا به نهاد داوری مسئول و یا دادگاه مراجعه کند. هر تخلفی از مفاد قانون در این موارد می‌تواند مبنای ابطال رأی داور قرار بگیرد. دیوان عالی فرانسه برابری طرفین اختلاف در تشکیل هیئت داوری را ضروری و از موارد نظم عمومی دانسته است.^۱ باید توجه داشت طبق ماده ۱۴۶۱ ق.آ.د.م.ف مقررات این مواد در خصوص داوری‌های داخلی بر خلاف داوری‌های بین‌المللی امری است. نکته دیگری که باید مورد توجه قرار بگیرد این است که در مرحله تشکیل

هیئت داوری دادگاه نیز نقش مهمی دارد و عملاً بخش مهمی از اختلافات در همین مرحله حل می‌شوند. در رویه و دکترین به قاضی دادگاهی که در فرایند داوری مداخله دارد قاضی حمایتی^۲ گفته می‌شود که برای رفع بن بست‌های مسیر داوری در بحث تشکیل هیئت داوری و جرح داور وارد می‌شود (Cornu, 2018). طبق ماده ۱۴۵۹ ق.آ.د.م.ف این قاضی رئیس دادگاه عمومی و در صورت توافق طرفین رئیس دادگاه تجاری مقرر داوری یا محل اقامت طرفین است. طبق ماده ۱۴۵۴ ق.آ.د.م.ف حل اختلافات مربوط به تشکیل هیئت داوری در وهله اول با توافق طرفین و سپس با نهاد مسئول داوری که طرفین انتخاب کرده اند و نهایتاً دادگاه است. از جمله اختلافاتی که بر اساس رویه قضایی مشمول این ماده هستند عبارت‌اند از: اعتراض به انتخاب یک داور و بحث جرح یا جایگزینی یک داور در کنار مواردی است که پیشتر ذکر شد (Mistelis 2015:1141).

در حقوق ایران بند یک ماده ۳۳ ق.د.ت. بیان داشته است که اگر ترکیب هیئت داوری مطابق موافقت نامه داوری نباشد و یا در صورت سکوت یا عدم وجود موافقت نامه داوری مخالف مقررات همین قانون باشد، آن رأی قابل ابطال است. همچنین صدور رأی توسط داوری که جرح او توسط دادگاه مورد تایید قرار گرفته نیز جهت دیگری برای ابطال است. مقررات مربوط به تشکیل هیئت داوری در مواد ۱۰ تا ۱۵ ق.د.ت. آمده است. در این مواد نیز اختیار طرفین در تعیین تعداد داوران یا شرایط انتخاب آن مورد تصریح قرار گرفته است. اگر در فرایند تشکیل هیئت

1. Cour de Cassation, Chambre civile 1, du 7 janvier 1992, 89-18.708 89-18.726

2. Juge d'appui

داوری طرفین نتوانند به توافق برسند مشابه حقوق فرانسه دادگاه عمومی به عنوان مرجع نظارتی طبق چارچوبی که در ماده ۶ ق.د.ت تعیین شده مداخله خواهد کرد. در داوری داخلی انتخاب تعداد داوران و نحوه آن طبق ماده ۴۶۴ ق.آ.د.م با طرفین است. در صورتی که طرفین نتوانند در انتخاب داور به توافق برسند یا در موافقت نامه داوری در خصوص آن توافقی نشده باشد دادگاه مداخله خواهد کرد. در موارد بطلان رأی داوری که در ماده ۴۸۹ ق.آ.د.م ذکر شده است بند صریحی در خصوص تشکیل هیئت داوری وجود ندارد. با این حال بند ۶ که صدور رأی به وسیله داورانی که مجاز به صدور رأی نبوده اند را سبب بطلان رأی دانسته است را می‌توان به موردی که داوران به نحو درستی انتخاب نشده اند سرایت داد. ضمن اینکه با توجه به مداخله گسترده دادگاه در فرایند انتخاب داوران در قانون آیین دادرسی مدنی به نظر می‌رسد اختلافات در همان مرحله تشکیل هیئت داوری حل می‌شوند.

بطلان رأی به علت مغایرت با قوانین موجد حق و قوانین مربوط به اموال غیر منقول و مفاد اسناد رسمی

در قانون آیین دادرسی مدنی عدم رعایت قوانین موجد حق می‌تواند به ابطال رأی داور منجر شود. باید توجه داشت در حقوق فرانسه نیز در داوری‌های داخلی رعایت قوانین ماهوی فرانسه مگر در صورتی که طرفین بر روش‌های کدخدامنشانه توافق کنند ضروری است. اگرچه ضمانت اجرای تخلف داور در این خصوص به صراحت مشخص نشده است اما از جهت خروج داور از حدود اختیار با تفصیلی که قبلاً مورد اشاره قرار گرفت قابل اعتراض است.

عدم مغایرت رأی داور با قوانین مربوط به اموال غیر منقول و مفاد اسناد رسمی که در بند سه ماده ۳۴ ق.د.ت و بند پنج ماده ۴۸۹ ق.آ.د.م ذکر شده است در هر حال باید رعایت شود و تفاوتی نمی‌کند که قانون حاکم بر اختلاف قانون ایران باشد یا خیر. البته اگر داور اختیار سازش داشته باشد رعایت این بند ضروری نیست. به طور کلی می‌توان گفت مفاد این بند مصداقی از نظم عمومی در حقوق ایران است که مفهوم کلی آن در حقوق فرانسه نیز پذیرفته شده است.

نتیجه

با توجه به پذیرش نظام دوگانه داوری داخلی و بین‌المللی در حقوق ایران و فرانسه جهات ابطال

آراء داوری در هر دو حقوق به جهات مربوط به داوری‌های داخلی و بین‌المللی تقسیم شده‌اند. در خصوص داوری‌های داخلی با پذیرش روش تجدید نظرخواهی در حقوق فرانسه طرفین با توافق می‌توانند یک رسیدگی کامل دادگاهی به عنوان درجه دوم رسیدگی به اختلاف مورد داوری را داشته باشند. به لحاظ جهات ابطال در دعوی ابطال داوری‌های داخلی موارد ششگانه‌ای که در حقوق فرانسه طبق ماده ۱۴۹۲ ق.آ.د.م.ف پذیرفته شده است به همین شکل و با همین میزان انسجام در حقوق ایران پذیرفته نشده است. از جمله ابطال به علت عدم تشکیل درست هیئت داوری و عدم رعایت اصل تقابلی بودن و نظم عمومی و رعایت شرایط شکلی رأی داور به طور خاص در قانون آیین دادرسی مدنی ایران مورد تصریح قرار نگرفته است. با این حال در دکترین و رویه قضایی تلاش شده است تا با تفسیر موسع و استنباط از مجموعه مواد قانون آیین دادرسی مدنی تا حد زیادی وجود این جهات ابطال در حقوق ایران را مورد شناسایی قرار دهند.

در خصوص داوری‌های بین‌المللی اگرچه جهاتی که در خصوص اعاده دادرسی در حقوق فرانسه پذیرفته شده از حقوق ایران گسترده تر است اما حقوق فرانسه انعطاف بسیار زیادی در خصوص جهات ابطال آراء داوری بین‌المللی نشان داده است. یکی از این تفاوت‌های مهم عدم بررسی اعتبار توافق داوری در حقوق فرانسه بر اساس قانون ماهوی حاکم بر اختلاف یا توافق داوری است. بر خلاف قانون داوری تجاری بین‌المللی که بررسی اعتبار توافق داوری را طبق قانون حاکم یا قانون مقر داوری دانسته است در حقوق فرانسه صرف احراز قصد مشترک طرفین بر ارجاع اختلاف به داوری و عدم نقض نظم عمومی بین‌المللی برای احراز اعتبار توافق داوری کافی است. تفاوت دیگر در انعطاف حقوق فرانسه نسبت به داوری پذیری اختلافات در داوری‌های بین‌المللی است. در حالی که در قوانین ایران موارد داوری پذیری نه تنها در داوری‌های داخلی و بین‌المللی متفاوت نیست بلکه گاه سخت‌گیری‌ها در داوری‌های بین‌المللی بیشتر است.

نکته دیگری که باید مورد توجه قرار بگیرد انسجام بیشتر جهات ابطال در حقوق فرانسه است. جهات ابطال آراء داوری داخلی در شش بند در ماده ۱۴۹۲ ق.آ.د.م.ف و جهات ابطال آراء داوری بین‌المللی در پنج بند در ماده ۱۵۲۰ ق.آ.د.م.ف ذکر شده است در حالی که در قانون آیین دادرسی مدنی علیرغم ذکر هفت جهت برای بطلان آراء داوری موارد شش گانه مطرح شده در ماده ۱۴۹۲

ق.آ.د.م.ف پوشش داده نشده و بعضاً خود جهات هفت گانه مذکور در ماده ۴۸۹ ق.آ.د.م. دارای هم پوشانی هستند. قانون داوری تجاری نیز علیرغم ذکر ۱۲ مورد برای ابطال و بطلان آراء داوری در مواد ۳۳ و ۳۴ موارد پنج گانه ماده ۱۵۲۰ ق.آ.د.م.ف را در بر نمی‌گیرد و مواردی وجود دارد که به راحتی می‌توان آن‌ها را ذیل یک عنوان واحد قرار داد.

در مجموع با توجه به اینکه قانون داوری تجاری ایران از قانون نمونه آنسیترال اقتباس شده است تا حد زیادی قادر به تامین رسیدگی منصفانه و نیز سرعت و قطعیت آراء داوری می‌باشد و ملاحظاتی که در تامین این دو دغدغه مهم در حقوق فرانسه وجود دارد تا حد قابل قبولی در حقوق ایران نیز مورد توجه قرار گرفته است. اما در خصوص قانون آیین دادرسی مدنی به نظر می‌رسد امکان بازنویسی ماده ۴۸۹ و وارد کردن ضرورت‌ها و اقتضائاتی که در حقوق فرانسه در خصوص ابطال آراء داوری مورد توجه قرار گرفته و رویه قضایی و دکترین حقوق ایران نیز به آن توجه کرده است وجود دارد که می‌تواند به ارتقاء سطح رسیدگی‌های داوری و رضایت طرفین و استحکام و اتقان بیشتر آراء داوری منجر شود.

منابع

- آذربایجانی، علیرضا و سماواتی پور، محمدرضا (۱۳۹۳)، تبیین جایگاه اصول و تشریفات دادرسی در داور، فصلنامه حقوق خصوصی دوره ۱۱، شماره ۲، پاییز و زمستان ۱۳۹۳، صفحه ۳۲۷-۳۵۷
- امینی، عباس و منصور، عباس (۱۳۹۶)، موجه و مدلل بودن رأی داور داخلی با نگاهی بر رویه قضایی، فصلنامه پژوهش حقوق خصوصی، سال ششم، شماره بیست و دوم بهار ۱۳۹۷، ص ۳۵-۹ جنیدی، لعی (۱۳۹۵)، اجرای آراء داور بازرگانی خارجی، تهران، شهردانش
- جنیدی، لعی (۱۳۷۸)، نقد و بررسی تطبیقی قانون داور تجاری بین‌المللی، تهران، دانشکده حقوق و علوم سیاسی
- حدادی، مهدی (۱۳۹۸)، داور بین‌المللی در نظام حقوقی ایران، تهران، مجمع علمی و فرهنگی مجد خدابخشی، عبدالله (۱۳۹۹)، حقوق دعاوی؛ بایسته‌های حقوق داور تطبیقی، تهران، شرکت سهامی انتشار
- خدری، صالح (۱۳۹۳)، اصول دادرسی در داور تجاری بین‌المللی، فصلنامه مطالعات خصوصی، دوره ۴۴، شماره ۴، زمستان ۱۳۹۳، صفحه ۵۲۷-۵۴۳
- رسول زاده فرساد، علی و علوم یزدی، حمیدرضا (۱۳۹۹)، مبانی قطعیت آرای داور و حقوق شهروندی؛ مطالعه تطبیقی در نظام‌های ملی و بین‌المللی، فصلنامه علمی اقتصاد و مدیریت شهری، پیاپی ۳۳، ص ۱۸۵-۲۱۱
- شمس، عبدالله (۱۳۹۶)، آیین دادرسی مدنی دوره پیشرفته، ج ۳، تهران، دراک شهبازی نیا، مرتضی و بازگیر، سعید (۱۳۹۴)، نظم عمومی و نقش آن بر امور شکلی داور، دانشنامه حقوق و سیاست، شماره ۲۳، بهار ۱۳۹۴، ص ۸۹-۱۱۶
- شیروی، عبدالحسین (۱۳۹۲)، داور تجاری بین‌المللی، تهران، سمت
- قلی پور، حسن و دیگران (۱۳۹۳)، بررسی اصل تعادل ترافعی (تناظر) در دادرسی قضایی و داور تجاری بین‌المللی، فصلنامه پژوهشهای فقه و حقوق اسلامی، سال دهم، شماره سی و هفت، پاییز ۱۳۹۳، صفحه ۱۲۷-۱۴۶
- محسنی، حسن (۱۳۹۹)، اداره جریان دادرسی مدنی بر پایه همکاری و در چارچوب اصول دادرسی، تهران، شرکت سهامی انتشار

محسنی، حسن و دیگران (۱۴۰۰)، رویکرد قضایی به بی‌اعتباری رأی داوری داخلی، پژوهش‌های حقوقی، دوره ۲۰، شماره ۴۷، آذر، ۱۴۰۰، صفحه ۱۴۳-۱۶۳

References

- Amini, Abbas and Mansouri, Abbas (1396), The justification of internal arbitration with a view to judicial procedure, *Quarterly Journal of Private Law Research*, Year 6, Issue 22, Spring 1397, pp. 9-35 (in persian)
- Azarbajjani, Alireza and Samavatipour, Mohammad Reza (2014), Explaining the Position of Principles and Procedures in Arbitration, *Quarterly Journal of Private Law* Volume 11, Number 2, Fall and Winter 2014, pp. 327-357 (in persian)
- Cédric Tahri (2007), *Procédure civile*, Paris: Bréal
- Christopher R. Seppala (1982), French Domestic Arbitration Law, *international lawyers*, 16 *Int'l L.* 749
- Detlev Kühner (2018), *Annulment and enforcement of arbitral awards from a comparative law perspective*, Mechelen : Kluwer
- Emmanuel Gaillard (1998), L'exécution des sentences annulées dans leur pays d'origine, *Journal du Droit international*, 125^e année, No 3
- Emmanuel Gaillard (2011), Commentaire analytique du décret du 13 janvier 2011 portant réforme du droit français de l'arbitrage, *Cahiers de l'arbitrage*, 20 novembre 0401 n° 2
- Fady Namour (2009), *Droit et pratique de l'arbitrage interne et international*, Bruxelles: Emile Bruylant
- Gérard Cornu (2018), *Vocabulaire juridique*, Paris: Presses Universitaires de France
- Gholipour, Hassan et al. (2014), Evaluating "Taadol Tarafoei (Tanazor)" in Judicial Proceedings and International Commercial Arbitration, *Quarterly Journal of Islamic Jurisprudence and Law*, Volume 10, Number 37, Fall 2014, pp. 127-146 (in persian)
- Haddadi, Mehdi (1398), *International Arbitration in the Iranian Legal System*, Tehran, Majd Scientific and Cultural Association (in persian)
- Herboczková, J. (2008), "Amiable Composition in the International Commercial Arbitration: <https://www.law.muni.cz>
- Jacques picotte (2018), *Juridictionnaire*, Moncton: Université de Moncton
- Jacquet, Jean-Michel, La loi applicable au fond du litige dans l'arbitrage international: <https://www.ehu.eu>
- Joneydi, Laia (1999), *A Comparative Review of International Commercial Arbitration Law*, Tehran, Faculty of Law and Political Science (in persian)
- Joneydi, Laia (2016), *Execution of Foreign Commercial Arbitration Opinions*, Tehran, shahre danesh (in persian)
- Khodabakhshi, Abdullah (1399), *Requirements of Comparative Arbitration Law*, Tehran, Anteshar Co. (in persian)
- Khodri, Saleh (2014), Principles of Procedure in International Commercial Arbitration, *Quarterly Journal of Private law Studies*, Volume 44, Number 4, Winter 2014, pp. 527-543 (in persian)
- Loquin, É. (2015). *L'arbitrage du commerce international. Pratique des affaires*. Joly

- éditions, Lextenso éditions.
- Loukas A. Mistelis (2015), *Concise International Arbitration*, Kluwer Law International: New York
- Mohseni, Hasan and others (2021), *Judicial Approach to the Annulment of the Internal Arbitration Award*, *Legal Research*, Volume 20, Number 47, Azar, 1400 pages 143-163 (in persian)
- Mohseni, Hassan (2016), *management of Civil Procedure Based on Cooperation and Within the Framework of Principles of Procedure*, Tehran, enteshar Co. (in persian)
- Noel Melin (2017), *Cahiers de l'arbitrage*, Paris: Conseil national des barreaux
- Piotr Wiliński (2020), *Excess of Powers in International Commercial Arbitration*, Hague, Eleven International Publishing
- Rasoulzadeh Farsad, Ali and Elmi Yazdi, Hamidreza (1399), *Principles of Arbitration and Citizenship Rights; Comparative study in national and international systems*, *Scientific Quarterly of Economics and Urban Management*, 33, pp. 185-211 (in persian)
- Serge Guinchard et Thierry Debard (2018), *Lexique des termes juridiques 2017-2018*, Paris: Dalloz
- Shahbazinia, Morteza and Bazgir, Saeed (2015), *Public Order and Its Role on Formal Arbitration*, *Encyclopedia of Law and Politics*, No. 23, Spring 2015, pp. 116-89 (in persian)
- Shams, Abdullah (1396), *Advanced Civil Procedure*, Vol. 3, Tehran, Drak (in persian)
- Shirvi, Abdolhossein (2013), *International Commercial Arbitration*, Tehran, Samt (in persian)
- Thomas E. Carbonneau (1981). *The Elaboration of a French Court Doctrine on International Commercial Arbitration: A Study in Liberal Civilian Judicial Creativity*, 55 *Tul. L. Rev.* 1
- Kuhner, Detlev, et la (2018), *Annulment and enforcement of arbitral awards from a comparative law perspective*, Mechelen: Kluwer